

آسیب شناسی اجتماعی بد حجابی و بی حجابی در بین دختران و زنان و آرایه برخی راهکارها

منوچهر صمدی وند^۱

چکیده:

یکی از جلوه‌های رفتاری زن یا مرد مسلمان که نشانه دینداری و عامل صیانت خانواده و جامعه از فساد و آسیب‌های اجتماعی - روانی است، عفاف و حجاب است. داشتن پوشش مناسب نه تنها سبب امنیت فرد از آسیب‌های مختلف است، بلکه سبب تحکیم خانواده، آرامش روانی افراد جامعه و افزایش امنیت در جامعه است. هدف این نوشتار، آسیب شناسی اجتماعی بد حجابی و بی حجابی در بین دختران و زنان و آرایه برخی راهکارها می باشد. روش پژوهش، اسنادی به شیوه توصیفی-تحلیلی بود. با توجه به یافته‌ها برخی آسیب‌های بدحجابی عبارت بودند از اختلال در روابط خانوادگی، بلوغ زودرس، نگاه ابزاری به زن و از بین رفتن هویت و شخصیت والای زن. از منظر جامعه‌شناسی، عوامل زیر در بدحجابی دختران و زنان دخیل هستند: ضعف در فرایند جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی، فرایند جهانی شدن و نفوذ فرهنگی، گروه مرجع، عدم طراحی الگوی پوشش مناسب، عدم حمایت از تولید داخلی و اسلامی، رقیق شدن اختلاط زن و مرد و عدم شناخت صحیح از مقوله حجاب. برخی راهکارهای حل مسئله بدحجابی و ترویج التزام به پوشش مناسب عبارتند از: تربیت و درونی کردن آموزه‌ها و ارزش‌های دینی، نظارت اجتماعی مناسب، تولید محصولات بر اساس فرهنگ ایرانی اسلامی و تولید آثار هنری و سینمایی مبلّغ فرهنگ ایرانی اسلامی.

کلید واژگان: بی حجابی، بد حجابی، آسیب اجتماعی، راهکارها

۱- استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

مقدمه :

آسیب شناسی اجتماعی مطالعه و ریشه یابی بی نظمی ها، ناهنجاری ها همراه با علل و شیوه های پیشگیری و درمان آن ها و نیز مطالعه شرایط بیمارگونه و نابسامانی اجتماعی است. به عبارت دیگر، مطالعه خاستگاه اختلال ها، بی نظمی ها و نابسامانی های اجتماعی است. اگر رفتاری با انتظارات مشترک اعضای جامعه و یا یک گروه یا سازمان اجتماعی سازگار نباشد و بیشتر افراد آن را ناپسند و یا نادرست قلمداد کنند، کجروی اجتماعی تلقی می شود. هر جامعه ای از اعضای خود انتظار دارد که از ارزش ها و هنجارهای خود تبعیت کنند. اما طبیعی است که همواره افرادی در جامعه یافت می شوند که از پاره ای از این هنجارها و ارزش ها تبعیت نمی کنند. افرادی که همساز و هماهنگ با ارزش ها و هنجارهای جامعه و یا سازمانی باشند، «همنوا» و یا «سازگار» و اشخاصی که برخلاف هنجارهای اجتماعی رفتار کنند و بدان ها پایبند نباشند، افرادی «ناهمنوا» و «ناسازگار» می باشند. یکی از معیار های تشخیص رفتارهای ناپهنجار و بهنجار در جامعه دینی، تطبیق و سازگاری و یا عدم تطبیق و ناسازگاری با آموزه ها و هنجارهای دینی است. اگر عمل و رفتاری با هنجارها و آموزه های دینی سازگار باشد، عملی بهنجار و اگر ناسازگار باشد، عملی ناپهنجار تلقی می شود. انحرافات و مسائل اجتماعی امنیت اجتماعی را سلب و مانعی برای رشد و توسعه جامعه محسوب می شود. به طور کلی، هر رفتاری که از آدمی سر می زند، متأثر از مجموعه ای از عوامل است که به طور معمول در طول زندگی سر راه وی قرار دارد و وی را به انجام عملی خاص وادار می کند. عوامل به وجودآورنده آسیب در جوامع مختلف یکسان نیست. این تفاوت ها را می توان در شهرها، روستاها و حتی در مناطق مختلف و محله های یک شهر مشاهده کرد. در هر جامعه و محیطی سلسله عواملی همچون شرایط جغرافیایی، اقلیمی، وضعیت اجتماعی، اقتصادی، موقعیت خانوادگی، تربیتی، شغلی و طرز فکر و نگرش خاصی حاکم است که هر یک از این ها در حسن رفتار و یا بدرفتاری افراد مؤثر است. یکی از مسایل اجتماعی جامعه امروز، مسئله بی حجابی و بد حجابی بخشی از افراد جامعه است. حجاب، به عنوان یکی از احکام و جویبی اسلام، به این معنا است که زن، هنگام معاشرت با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد. بنابراین، حجاب، به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است. بُعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است؛ و این دو بُعد باید در کنار یکدیگر باشد تا حجاب اسلامی محقق شود؛ گاهی ممکن است بُعد اول باشد، ولی بُعد دوم نباشد، در این صورت نمی توان گفت که حجاب اسلامی محقق شده است. وجوب حجاب بانوان در برابر مردان غیرمحرّم، مورد توافق فقهای همه مذاهب اسلامی است اما حدود و اندازه آن مورد بحث و گفتگوی فقهاست. حجاب و پوشش، در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی دارای آثار و فواید زیادی است. هدف اصلی تشریح احکام در اسلام، قرب به خداوند است و از قرآن کریم استفاده می شود که هدف از تشریح حکم الهی وجوب حجاب اسلامی، دست یابی به تزکیه نفس، طهارت، عفت و پاکدامنی است. عوامل فردی و اجتماعی مختلفی در گرایش دختران به بد حجابی و بی حجابی وجود دارند: سرزنش دیگران، نظام تربیتی خانواده (جامعه پذیری)، ضعف ایمان و اعتقادات دینی، تبلیغات رسانه های ارتباطی، تغییر ارزش های اجتماعی، حس محدود شدن، احساس تبعیض بین دو جنس، جهانی شدن فرهنگ، فردی ساختن هنجارهای دینی، شکاف فرهنگی بین نسلی، مدرگرایی، جاذبه گروه های مرجع، ضعف هویت دینی به لحاظ سیاسی شدن دین، نافرمانی و اعتراض مدنی، ضدیت با ایدئولوژی رژیم حاکم. امروزه مسأله بد حجابی و بی حجابی به عنوان گسترده

ترین نماد هنجارشکنی و آسیب اجتماعی، هم جمهوریت و هم اسلامیت نظام جمهوری اسلامی را به چالش کشیده است. در حال حاضر، عدم رعایت حجاب یا به تعبیر دقیق تر، حد پوشش، به یکی از معضلات کشور تبدیل شده به گونه ای که علاوه بر آسیب های متعددی که به خانواده وارد کرده است، از جمله تنش های خانوادگی و عدم امنیت روانی در خانواده ها، در جامعه نیز با ایجاد دوقطبی، از یک طرف روز به روز شاهد هنجار شکنی ها و از طرف دیگر نزاع و درگیری کلامی و رفتاری حول این موضوع هستیم. در هر جامعه ای، سازمان ها و نهاد های اجتماعی و فرهنگی، عهده دار رفع مسایل و مشکلات اجتماعی و فرهنگی می باشند. هر کدام از این سازمان ها و نهاد ها، نقش مهمی در آموزش هنجارها و قواعد فرهنگی جامعه دارند. در تحقیق حاضر، محقق در نظر دارد، نخست به آسیب شناسی بد حجابی و بی حجابی در بین جوانان بویژه دختران سنین پایین بپردازد و سپس به راهکارهای لازم مرتبط با مساله بپردازد. سوال اصلی مقاله حاضر این است که بد حجابی و بی حجابی در بین زنان و دختران چه آسیب هایی را بدنبال دارد؟

فلسفه حجاب :

قشر زنان از نظر روحی نسبت به مردان حساس هستند و از این رو نگاه های از روی شهوت مردان می تواند آنها را به شدت از نظر روحی و روانی دچار مشکل کند، اما هنگامی که زن حجاب خود را متناسب با دانسته های فلسفه حجاب حفظ می کند، چشم نامحرم از او دور مانده، ارزش و مقامش بیشتر می شود، همچنین اعتماد به نفس او افزایش می یابد. هنگامی که بین مرد و زن حریمی نباشد و هیچکدام از طرفین چارچوب مشخصی برای عفاف خود مشخص نکرده باشند، کنترل میل و غریزه بسیار سخت خواهد شد. همچنین دلایل علمی حجاب بر روی حواس پنجگانه و امیال جنسی مورد مطالعه قرار گرفته است. به نوعی دیگر میل جنسی، هر چه از آن بیشتر استفاده شود، کنترل آن سخت تر شده و سرکش تر می شود. از این رو می تواند آسیب های مختلف جسمی و روحی را به افراد وارد کند. از این رو اگر به این نکته که یکی از نکات فلسفه حجاب از نظر علمی است توجه شود، هم مردان و هم زنان راحت تر می توانند غریزه جنسی خود را کنترل کنند و از این رو با ذهن و روان آزادتری به دنبال بهترین شریک برای زندگی خود می گردند. یکی از مهم ترین موضوعاتی که در فلسفه حجاب توجه زیادی به آن شده است، مسئله خانواده، عشق و محبت بین زن و مرد است. اگر حجاب به طور منطقی در خانواده برقرار باشد، بر روی افزایش عشق و محبت بین اعضای خانواده تاثیر بسیار زیادی دارد. هنگامی که زن حجاب خود را کاملا درست و بر اساس فرامین دینی رعایت کند و همچنین چشم او غیر شوهر خود کسی را نبیند و تمام عشق خود را برای همسر خود خرج کند؛ نگاه های آلوده از زن دور شده و او حس بدی را نسبت به خود نداشته و اعتماد به نفسش افزایش می یابد. اگر مرد هم پوشش خود را رعایت کند و مراقب نگاه های خود باشد، به این ترتیب صفا و صمیمیت در خانواده روز به روز بیشتر می شود. از جمله دیگر موارد فلسفه حجاب، داشتن جامعه ای بهتر و سالم است. اگر مردان و زنان به نکات مختلف دینی که وظیفه اصلی آن ها است، توجه کافی و لازم را داشته باشند، به مرور زمان می توان شاهد نابودی فحشا شد. زنان می توانند با دانستن فلسفه حجاب، بدون هیچ دغدغه ای، با آرامش کارهای روزمره خود را انجام دهند و در محیط های اداری بدون هیچ حاشیه ای بر روی کار خود متمرکز شوند و از کارهایی که سبب خوندنمایی می شود، جلوگیری کنند. مردان نیز میل و غریزه جنسی خود را در محیط های اجتماعی کنترل کرده و به زنانی که حجاب کاملی ندارند با دید بدی نگاه نکنند. هر چه زن عقیف تر باشد، ارزش و احترام بیشتری در میان مردان جامعه خواهد داشت. حجاب اسلامی، آن نوع پوششی

است که دارای این دو ویژگی باشد: نخست حدود شرعی پوشش در آن رعایت شده باشد. دوم با خودنمایی و جلب نظر نامحرمان همراه نباشد. بنابراین هر نوع پوششی که فاقد این دو ویژگی گفته شده باشد، در اصطلاح بد حجابی و بی حجابی گفته می شود. پوشش و حجاب پرتوی از آفرینش الهی است و فلسفه وجودی آن ارزش دادن به مقام مادی و معنوی انسان است در بررسی تاریخچه حجاب، شاهد این موضوع هستیم که در آغاز خلقت انسان، چگونه حضرت آدم و حوا بعد از اغوا شدن توسط شیطان، براساس همان میل فطری اقدام به ستر و پوشش خود کردند. البته اشاره به این مسئله لازم است که اسلام واضع قانون حجاب و پوشش نیست بلکه در تمام ادیان به مسئله حجاب و عفاف توجه شده است، اما همیشه افراط و تفریط‌هایی نیز وجود داشته است. چنانکه شهید مطهری در این خصوص، چنین بیان می کند: «آنچه مسلم است این است که قبل از اسلام حجاب در جهان وجود داشته است و اسلام مبتکر آن نیست» (مطهری، ۱۳۸۷: ۲۶) در سیره عملی یهودیان مبنی بر استفاده از چادر و برقع و رویند، تفکیک و جدا بودن محل عبادت زنان در کنیسه، ناشایسته شمردن اشعاری که در تمجید زیبایی زنان شمرده شده است و ایراد خطابه توسط زنان از پشت پرده، بیانگر کیفیت پوشش و سخت گیرانه بودن حجاب نزد یهودیان است (ساک، ۱۳۹۶: ۶۷). در بررسی حجاب در آیین مسیحیت به نصوصی بر می خوریم که گویای تداوم قوانین یهود در مسئله پوشش است. بنابراین استفاده از چادر و برقع برای همگان، حتی خاتون‌های اشراف، لازم بود و در اعیاد نیز کسی آن را کنار نمی گذاشت؛ بلکه آن را با طلا و نقره و پارچه‌های زربفت تزئین می نمودند و حتی برای تفریح نیز با حجب و حیای کامل در مجالس انس یا گردش‌هایی دور از چشم نامحرمان شرکت می جستند (فتاحی زاده، ۱۳۸۹: ۱۴۶). «حجاب زنان از سنن قدیمی تمدن‌های بشری بوده است. نخستین کسانی که به ایران آمدند، آریایی‌ها بودند، به دو گروه بزرگ «مادها» و «پارس‌ها» تقسیم شدند. از زمان مادها که نخستین ساکنان این سرزمین بودند، دارای حجاب کاملی؛ شامل؛ پیراهن بلند چین دار، شلوار تا مچ پا و چادر و شنلی بلند بر روی لباس بوده‌اند. بنابراین در زمان بعثت زرتشت و قبل و بعد از آن، زنان ایرانی از حجابی کامل برخوردار بوده‌اند (ساک، ۱۳۹۶: ۶۸). فلسفه حجاب در اسلام، وضع حجاب و پوشش نیست بلکه قاعده مند کردن آن بر اساس سرشت و فطرت زن است. حجاب و پوشش زنان در تاریخ ایران فراز و نشیب‌هایی داشته است؛ چنانچه در دوره محدودی از طرف حکومت مورد حمله قرار گرفته است و در جمهوری اسلامی نیز به عنوان قانون در آمده است. اما نکته مهم و اساسی در طول این دوران این است که فرهنگ عفاف با توجه به شرایط فوق توانسته است ریشه‌های خود را حفظ کند و به نسل‌های بعدی آن را انتقال دهد، اما در حال حاضر عوامل گوناگونی باعث آشفتگی در وضعیت حجاب و بوجود آمدن «آنومی پوشش» در جامعه شده است که نتیجه آن به چالش کشیده شدن سنت قوی حجاب در ایران است.

عفاف :

در مفردات راغب اصفهانی ذیل ماده عف؛ عبارت است از واژه عربی به معنی حاصل شدن حالتی برای نفس و جان آدمی که به وسیله آن از غلبه و تسلط شهوت جلوگیری می کند. (راغب اصفهانی، بی تا: ۶۱۸/۲) در اصطلاح، عفاف عبارت است از؛ اعتدال را پیشه گرفتن، خودنگهداری و تسلط بر خود، نوعی قید و حصار کشیدن بر خواسته‌های نفس، در آیات قرآن و روایات نیز عفاف معنایی وسیع تر از حجاب دارد و مفهومی فراتر از پاکدامنی دارد. در واقع؛ حجاب یک امر ظاهری و بیرونی است، به عبارت دیگر؛ پوشش ظاهری افراد، به ویژه زنان را حجاب گویند. اما «عفاف» یک حالت درونی است که انسان را از گناه و حرام باز می دارد و آثار آن در گفتار و

کردار انسان نمود پیدا می‌کند که این نموده‌ها می‌تواند؛ عفت در نگاه، عفت در گفتار، عفت در راه رفتن، عفت در زینت و عفت در پوشش باشد. بنابراین حجاب، نمودی از عفت در پوشش است. برای نهادینه‌سازی عفاف و به تبع آن ایجاد فرهنگ حجاب و پوشش صحیح در جامعه، ابتدا لازم است در اولین اقدام، فرهنگ حیا، شرم و آزر در جامعه فراهم شود؛ حیا به معنای پرهیز از زشتی‌ها در عمل و رفتار انسانی است و این خصلت شامل هر انسان با فضیلتی؛ اعم از زن و مرد می‌شود ولی وجود آن در زنان و دختران دارای جلوه زیباتر و برتر است. شهید مطهری معتقد است؛ «حیا هم برای مرد و در غریزه مرد است و هم برای زن و در غریزه زن است و به حکم اینکه زن ناموس اجتماع است در زن بیشتر است. زن هم ناموس خودش است و هم ناموس مرد، بر خلاف مرد که دیگر ناموس زن نیست، خدای متعال به حکم اینکه در متن خلقت، زن را حافظ ناموس جامعه قرار داده است، این حس حیا و شرم را در زن بیش از مرد قرار داده است، فرنگی‌ها به این نکته متوجه شده‌اند که از زمانی که زن حیا و پوشش را از دست داده و خودش را رایگان و مبتذل کرده است، ارزش خودش را از دست داده است (مطهری، ۱۳۹۸: ۷۶). بنابراین به دلیل بیشتر بودن غریزه حیا در زن طبع میل او به پوشش بدن خود از نامحرم بیشتر است و باعث دچار اضطراب از برهنگی می‌شود در واقع حیا عامل آرامش روحی و روانی برای اوست. تقویت باورهای دینی و تحکیم ایمان باعث تقویت حیا و افزایش ارزش‌های اخلاقی و آرامش روحی در جامعه شده که نتیجه آن سلامت جامعه است. یک رابطه عمیق بین حیا و عفاف و حجاب است بطوری که حیا مقدمه عفاف، و حجاب ثمره عفاف است. «عفاف در آموزه‌های اسلامی از جایگاه بسیار والایی برخوردار است و همواره از آن به عنوان قوی‌ترین نیروی تعدیل‌گر و غرایز و شهوات انسانی یاد می‌شود یکی از جلوه‌های رفتاری زن یا مرد مسلمان که نشانه دینداری و عامل صیانت خانواده و جامعه از فساد و آسیب‌های اجتماعی - روانی است؛ حجاب و عفاف است. داشتن پوشش مناسب نه تنها سبب امنیت خود فرد از آسیب‌های مختلف است، بلکه سبب تحکیم خانواده، آرامش روانی افراد جامعه و افزایش امنیت در جامعه است» (ابراهیمی‌ثانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۲). مطهری در کتاب خانواده و اخلاق جنسی چنین بیان می‌کند؛ «این مبارزه‌ای که امروز با عفاف می‌شود و مبارزه‌ای که با حیا می‌شود و مبارزه‌ای که با پوشش زن می‌شود، تمام اینها مبارزه با حیثیت زن است نه مبارزه به نفع زن، مبارزاتی است علیه زن...» (همان، ۲۷) از مسائل تأثیرگذار دیگر در امر حجاب و عفاف در جامعه؛ موضوع غریزه «تبرج» و «خودنمایی» زنان است با عنایت به اینکه زنان تقریباً نصفی از پیکره جامعه را تشکیل می‌دهند بنابراین نقش آنها در حفظ ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی جامعه و به عبارت دیگر سلامت روانی جامعه حائز اهمیت است. غریزه «تبرج» و «خودنمایی» که یک خصیصه زنانه است در قرآن در سوره احزاب آیه ۳۳ هرگونه خودنمایی و تبرج را برای زنان محدود به محیط خانواده بیان می‌کند و همچنین در سوره نور می‌فرماید؛ در مقابل نامحرم‌ان با زینت‌ها و آرایش‌های خود، خودنمایی نکنید. با کمی دقت در مفهوم آیات فوق، مشخص می‌شود خداوند در این آیات قواعد استفاده از این غریزه را به زنان یادآور می‌شود. بسیاری از عوامل بی‌عفتی ریشه در سهل‌انگاری‌های داخل خانه و بی‌تفاوتی اعضای خانواده دارد. خانواده‌ها باید بدانند حکومت هرگز نمی‌تواند نقش این نهاد را بازی کند. خانواده نباید از خود سلب نقش کند و وظایف خود را به حکومت بسپارد خانواده باید خود را عامل اصلی تربیت فرزند بداند (سبحانی نیا، ۱۳۹۴: ۱۲۸). پوشش و حجاب به عنوان یک رفتار اجتماعی همواره تحت تأثیر ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه بوده و از طرفی به عنوان یک پدیده اجتماعی متأثر از رفتارهای اجتماعی مردان و زنان جامعه می‌باشد. برخی معتقدند: «از نگاه جامعه‌شناختی، حجاب به مثابه رسانه ارتباطی نمادین و کنش اجتماعی است که فرد کنشگر برای آن معنای ذهنی و ارزشی نمادین قائل است، به نحوی که کنش او در ارتباط با دیگران در عرصه ارتباطات میان فردی و تحت تأثیر انتظارات دیگران در حوزه عمومی است.

از این نگاه حجاب امری نیست که صرفاً به مقوله پوشش بدن تقلیل داده شود بلکه شامل زبان بدن، مدیریت بدن و آرایش و پیرایش بدن و زبان اشیا در عرصه ارتباطات غیر کلامی نیز می‌شود که ممکن است در شرایط اجتماعی و فرهنگی دارای شکل و قالب متنوع با جوهر محتوایی یکسان یا برعکس باشد (شارع‌پور و دیگران، ۱۳۹۱: ۲). بنابراین عوامل تأثیرگذار در این امر را می‌توان به این صورت زیر بیان نمود که گزینه تبرج و خودنمایی؛ منظور از گزینه «تبرج» و «خودنمایی» جلوه‌گری و دلبری کردن برای تصاحب قلب دیگری است. کلمه «تبرج» که در قرآن آمده، از کلمه «برج» گرفته شده و به معنای ظاهر شدن در برابر مردم است؛ همان گونه که برج قلعه، برای همه هویدا است. خصیصه تبرج و خودنمایی از ویژگی مهم زنان است که بصورت غریزی و طبیعی در آنان وجود دارد. و در مورد کارکرد این گزینه در زنان می‌توان گفت: وجود این گزینه برای متمایل کردن مرد به زن است تا بدین وسیله، مقدمات ازدواج و زندگی مشترک را بین آنان فراهم کند؛ چنانکه در سایر جانداران نیز این ویژگی در جنس ماده وجود دارد (رجبی، ۱۳۸۳: ۴۹). ولی عدم کنترل گزینه تبرج و خودنمایی در زنان باعث افراط و تفریط در آن می‌شود که نتیجه آن ایجاد اضطراب و دغدغه‌های فکری و نهایتاً باعث اختلال‌های روحی و روانی در زنان می‌شود، زیرا آزادی زن در خودآرایی و به نمایش گذاشتن جلوه‌های زنانه در بین جامعه باعث افراط در تجمل و توجه به زیبایی‌های ظاهری شده و اشاعه بدحجابی یا بی‌حجابی در جامعه می‌شود. بنابراین این روند می‌تواند ناراحتی‌های زیادی برای آنان ایجاد کند؛ زیرا به دلیل اینکه همیشه در مقابل رقیب دیگر یا با گذر عمر احساس زیبایی نمی‌کنند نگرانی‌هایی برای آن‌ها بوجود می‌آید گرچه آنها برای اینکه در این رقابت، ضعف خود را جبران کنند، دست به کارهای گوناگونی می‌زنند؛ تنوع طلبی بیشتر در لباس و آرایش و افراط در جلوه‌گری و خودآرایی؛ ولی نتیجه‌چندانی برایشان ندارد» (همان، ۵۲). از علل اصلی ضعف پوشش؛ ضعف ایمان و عدم آگاهی نسبت به احکام دین، اشتیاق به پسندیدگی و تحسین برانگیزی، عقده حقارت، آشنایی با دنیای مردان، ضعف حیا، هوس می‌باشد. البته عوامل بیرونی دیگری در این زمینه نقش دارند که در ادامه بحث خواهد شد. اما نتیجه تبرج و خودآرایی خارج از قواعد آموزه‌های دینی و عرف اجتماعی باعث آسیب‌های روانی جدی در جامعه شده و موجب تزلزل بنیان خانواده و آسیب‌پذیری فرزندان در امر الگوپذیری از والدین و اطرافیان خواهد بود.

فرهنگ عفاف و حجاب :

فرهنگ عامل مهم زندگی اجتماعی انسان است در واقع روح اجتماع بشری هر جامعه را فرهنگ آن جامعه تشکیل می‌دهد و هرگونه رشد و تعالی و ثبات، امنیت و آرامش در جامعه در سایه فرهنگ است بنابراین خودباوری فرهنگی و اهمیت دادن به آن باعث رشد و بالندگی جامعه خواهد شد. بنظر گرجی پور و همکاران « امروز فرهنگ نظام سلطه به واسطه قدرت‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی در کنار پایگاه‌های اطلاعاتی، علمی و رسانه‌ای، به صورت مستمر به دنبال استعمار فرهنگی و غالب کردن استیلای فرهنگی مد نظر خود، در برابر فرهنگ‌های مستقل و مقاوم است. تقابل استعمار و استقلال فرهنگی در مواجهه دو رویکرد فرهنگ اسلامی و غیر اسلامی، به خوبی خود را نشان می‌دهد؛ به طوری که غالب شدن الگوهای خطامشی‌گذاری و تصمیم‌گیری فرهنگی غیر اسلامی، نقش مهمی در تضعیف پایداری فرهنگی، به معنای حفظ ارزش‌ها و مبانی اسلامی، ایفا می‌کند و این موضوع، به استمرار برنامه‌ریزی و خطامشی‌گذاری را در قالب حفظ و تقویت ارزش‌ها برای مقابله با تهدیدها و خطرات ضدفرهنگی در جامعه نمایان می‌کند» (گرجی پور و دیگران، ۱۳۹۸: ۵۴۴).

بدحجابی :

بدحجابی و مظاهر آن به عنوان خودنمایی، جلب توجه، جابجایی و وارونگی ارزش‌ها، تفاوت در نگرش‌هاست. و به طور کلی فرصتی برای ورود به مقاصد از راه نامتعارف است (مومنی؛ کلانتری، ۱۳۹۵: ۱۹۳). پدیده بدحجابی یا پوشش آنومی اگر دقیقاً در جامعه ریشه‌یابی شود ممکن است دلایل مختلفی داشته باشد با توجه به پژوهش‌های انجام یافته در این مورد می‌توان گفت «عللی همچون تأثیرات ساختاری، ضعف خانواده در هدایت و نظارت، نقش رسانه، بالا رفتن سن ازدواج، ناآشنایی با حدود شرعی، مقابله با نظام سیاسی از جمله عوامل رویگردانی از حجاب می‌باشند (لاریجانی، ۱۳۹۱: ۲۵۸). تاریخ بدحجابی به صورت سازماندهی شده به اواخر قرن ۱۹ میلادی بر می‌گردد پس از عصر رنسانس علمی و صنعتی اروپا و نیز جنگ جهانی دوم و انقلاب صنعتی، زمینه لازم برای تشویق زنان برای کنار گذاشتن حجاب فراهم شد. دامنه این اقدامات به تدریج کشورهای اسلامی را فرا گرفت و به صورت سلاحی کارآمد برای مقابله با معنویت و اخلاق و سقوط جامعه دینی به کار گرفته شد و استعمارگران در این خصوص از هیچ تلاشی فرو گذار نکردند (محمدی آشنایی، ۱۳۷۸: ۶۷). با عنایت به اینکه حجاب نوعی رفتار محسوب می‌شود کارکرد بدحجاب می‌تواند آسیب‌های زیادی در جامعه بوجود آورد؛ رواج انواع پوشش‌ها با مدل غربی، مخصوصاً در مورد زنان، سبب از بین رفتن تدریجی عفاف و حجاب در بین دختران و زنان جامعه شده و منجر به گسترش انحرافات جنسی در سایه بدحجابی خواهد شد. فرآیند بی‌حجابی، مقدمه هنجارشکنی و جایگزین ساختن هنجارهای مورد نظر فرهنگ مهاجم و زمینه ساز احساس بیگانگی در برابر فرهنگ خودی و پذیرش تهاجم فرهنگی است (احمدی و دیگران، ۱۳۸۹: ۹۸). در مسئله هنجارشکنی در حجاب و پوشش آنتونی گیدنز معتقد است «لباس و پوشاک علاوه بر آن که وسیله مهمی برای پنهان سازی یا آشکارسازی وجوه مختلف زندگی شخصی است، لباس و آرایش کنشگر رو به خودنمایی و عرضه هویت شخصی خویش است، تا بدین طریق خود را به طرق دیگری معرفی نماید. کنشگر با بروز ظاهر بدحجابانه خود در پی چیزی می‌گردد که با هنجار متعارف به دست نیابورده است؛ بنابراین با کنشی بدحجابانه در تلاش است تا هویت پنهانی خود را معرفی نماید و از این طریق ناکامی‌ها و نامالایمات شخصی را تخفیف دهد. لذا با چنین پوششی سعی می‌کند نظر دیگران را نسبت به خود معطوف نماید» (مومنی و کلانتری، ۱۳۹۵: ۲۱۲).

تحلیل جامعه‌شناختی علل بدحجابی :

حجاب و پوشش اسلامی از موضوعات مهم جامعه امروز ایران است. حجاب علاوه بر ابعاد دینی و فقهی، دامنه‌ای اجتماعی دارد و مسئله‌ای چون «بدحجابی» از بُعد جامعه‌شناختی قابل بررسی و تبیین است. مقابله موثر با بدحجابی به‌عنوان یک آسیب مهم در جامعه اسلامی بدون فهم درست و دقیق علل این معضل ممکن نیست. به دلیل تحولات در جامعه امروز، پوشش زنان شکل متکثری به خودش گرفته است. از جمله اینکه برخی از پوشش چادر استفاده می‌کنند و در عین حال می‌خواهند نشانه‌هایی از جذابیت و عناصر جذب مخاطب را با خودشان داشته باشند، به همین خاطر یک ترکیبی را در پوشش‌شان رعایت می‌کنند که ممکن است، از آنها به چادری‌های بدحجاب یا بدپوشش تعبیر شود. در مورد مسئله پوشش و حجاب نبایستی نگاه سیاه و سفید ارایه کرد. بدین معنا که جامعه را به لحاظ وضعیت پوشش و حجاب و میزان انطباق آن با الگوی اسلامی و موازین شرعی کاملاً مثبت و یا کاملاً تیره به تصویر کشید به گونه‌ای که تمامی افراد جامعه را دچار انحراف قلمداد کرده و فضای یأس و ناامیدی را القا کرد بلکه وضعیت کنونی حجاب در میان دو سر طیف وضعیت مطلوب و نامطلوب قرار دارد. هر چند در مقایسه با دهه‌های گذشته تغییرات چشمگیری در

این عرصه به وقوع پیوسته است و میزان عدم التزام به رعایت معیارهای شرعی گسترش یافته است. برای بررسی دلایل این مساله، می توان از منظر جامعه شناسی به عوامل زیر اشاره نمود:

۱- ضعف در فرایند جامعه پذیری: یکی از مهمترین علل گسترش «بی حجابی» ضعف در فرایند جامعه پذیری افراد است. جامعه پذیری به فرایندی اطلاق می شود که فرد در آن ارزش ها، هنجارها، اداب و رسوم جامعه را فرا می گیرد و شخصیت او شکل می یابد. خانواده، گروه همسالان، رسانه های جمعی، سیستم آموزشی را می توان از مهمترین عوامل جامعه پذیری به شمار آورد. بسیاری از افراد و کودکان از تربیت مطلوبی در زمینه پوشش و حجاب برخوردار نیستند. به دلیل ناآگاهی والدین بسیاری از دختران تا سنین بالایی حتی بعد از بلوغ به دلایل واهی و توجیهاات غیر منطقی از پوشش مناسب برخوردار نیستند. بدیهی است که این نوع تربیت در بزرگسالی نیز اثرات مخرب خود را برجای خواهد گذاشت و کودکی که تا سن بعد از بلوغ نیز نیمه عریان و سر برهنه بوده چگونه می تواند به یکباره به پوشش کامل تن دردهد.

۲- ضعف در کنترل اجتماعی: کنترل اجتماعی به عنوان فرایند مکمل جامعه پذیری است. هنگامی که فرد به نحو مطلوبی جامعه پذیر نمی شود و از هنجارها و ارزش های اجتماعی تخطی می کند، فرایند کنترل اجتماعی فعال می شود تا فرد را از انحراف و کجروی بازدارد. کنترل اجتماعی مجموعه سازوکارهایی که جامعه برای حفاظت از ارزش ها و معیارهای پذیرفته شده و واداشتن اعضا به سازگاری و متابعت و متقابلاً تضعیف و درهم شکستن اراده های ناهمسو به شیوه های مختلف اعمال می شود. کنترل اجتماعی به دو صورت رسمی و غیر رسمی انجام می گیرد. کنترل اجتماعی رسمی از طریق سازمان رسمی دولتی و قوانینی که برای مجازات افراد خاطی در نظر گرفته شده است همچون جریمه، زندان، محرومیت از خدمات دولتی به مقابله با افراد کجرو می پردازند. کنترل غیر رسمی نیز توسط عموم مردم از طریق تذکر، طرد اجتماعی، تمسخر، توصیه صورت می پذیرد. از دیگر عواملی که موجب گسترش بی حجابی در جامعه شد، ضعف در کنترل اجتماعی بود. مجازات های رسمی و غیر رسمی که در نظر گرفته شده بودند به اندازه کافی بازدارنده نبودند و یا اصلاً کنترلی صورت نگرفت. بر اساس نظریه مبادله انسان موجودی عاقل و محاسبه گر است که به محاسبه سود و زیان رفتار می پردازد و در صورتی که سود و فایده اش بیشتر از ضررش باشد به انجام آن عمل دست می زند و در صورتی که ضررش بیشتر باشد از انجام عمل خودداری می کند.

۳- فرایند جهانی شدن و نفوذ فرهنگی: از دیگر عوامل تاثیر گذار بر سبک زندگی افراد بویژه در سبک پوشش، فرایند جهانی شدن و ارتباطات جهانی است که به تکثرگرایی فرهنگی انجامیده است. پس از گسترش رسانه های ارتباطات جمعی و اینترنت که مبلّغ سبک زندگی غربی و مروج ارزش ها و هنجارهای جهان غربی هستند، به تضاد با سبک زندگی اسلامی و ارزش های دینی پرداختند و سعی بر آن داشتند تا الگوی جایگزین و جدیدی را معرفی کنند. عموماً هدایت بسیاری از شبکه های مجازی و ماهواره ای که در سطح جهانی تاثیرگذار هستند بر عهده جریان های فکری فرهنگی غربی است که عمدتاً به دنبال اشاعه فرهنگ اباحه گری و در تضاد با جریان های دینی هستند. همچنین برخی از نرم افزارها و شبکه های اجتماعی بر مبنای خودنمایی بنیان گذاری شده اند که آسیب های فرهنگی خاص خود را به دنبال دارد.

۴- گروه مرجع: گروه مرجع به گروهی اطلاق می شود که افراد خود را با آن مقایسه و با استاندارد های آن خود را ارزیابی می کنند. افراد، گروه مرجع را معیار خود قرار می دهند و سعی بر این دارند تا سبک زندگی خود و

بسیاری از رفتارهای خود را با آنان مقایسه و هماهنگ کنند به عبارت دیگر به الگوبرداری از آنان می پردازند . سلبریتی ها را می توان از مهمترین گروه های مرجع در دنیای کنونی قلمداد کرد که به الگوی مرجع بسیاری از جوانان تبدیل شده اند. تعداد قابل توجهی از سلبریتی ها که در پی شهرت و خودنمایی هستند و سبک زندگی شان مغایر با ارزش های اسلامی هست از جمله عوامل تاثیرگذار بر گسترش بی حجابی به شمار می رود . نکته حائز اهمیت این است که تا به اکنون قوانینی برای نظارت بر رفتار سلبریتی ها وضع نشده است و عده ای خارج از هرگونه چهارچوب متناسب با فرهنگ اصیل ایرانی و اسلامی به فعالیت های مخرب فرهنگی اقدام می ورزند.

۵- عدم طراحی الگوی پوشش مناسب : یکی از عوامل ناپهنجاری، عدم وجود هنجار مناسب است . در سال های گذشته برای شرایط مختلف شغلی، جغرافیایی ، الگوی های پوشش مناسب اسلامی و ایرانی طراحی و توزیع نشده است و از این مسئله غفلت ورزیده شده است . هر چند چادر نمونه کامل است اما تنها الگوی حجاب کامل نیست. در برخی از شرایط مختلف اجتماعی، شغلی، جغرافیایی نیازمند آن بوده ایم که لباس های متنوعی را طراحی کنیم.

۶- عدم حمایت از تولید داخلی و طراحان اسلامی و واردات و قاچاق پوشاک خارج بوده است. هنگامی که بازار نیازمند اجناس داخلی متناسب با معیارها فرهنگ ایرانی اسلامی بود، با واردات بی رویه پوشاک خارجی ذائقه مصرف کنندگان داخلی را تحت الشعاع قرار دادند و این مسئله یکی از راه های نفوذ فرهنگی بود.

۷- رقیق شدن اختلاط زن و مرد و عدم شناخت صحیح از مقوله حجاب : از میان رفتن حائل میان ارتباطات محرم و نامحرم تاثیر بسزایی را در قبح شکنی و از بین رفتن حیا و عفت را داشت که یکی از مصادیق آن بی حجابی است .

برخی آسیب های بدحجابی:

۱- اختلال در روابط خانوادگی : از مهمترین پیامدهای بی حجابی اختلال در روابط خانوادگی و میان زوجین می باشد. مردان از ویژگی تنوع طلبی برخوردارند و هنگامی که به طور عمد و از روی لذت طلبی و یا سهواً و بر حسب تصادف با زن های بی حجاب برخورد دارند، بی تردید پوشش و آرایش آنان مردان را تحت تاثیر قرار می دهد. از آنجایی که بر طبق ضرب المثل «دست بالای دست بسیار است» بی شک زنانی زیباتر از همسر آن مرد پیدا خواهند شد که جذاب تر به نظر بیایند، در این هنگام مردان احساس می کنند که دیگر همسرانشان جذابیت لازم را ندارند و نیاز به تجربه جدید و متنوعی را احساس می کنند، این مسئله خود بروز اختلال در روابط زناشویی می گردد و در برخی موارد پیامدهای ناگواری همچون خیانت و طلاق را در پی دارد. البته این مسئله بیشتر در مردانی بروز پیدا می کند که از روی شهوت رانی به چشم چرانی می پردازند و مردانی که سهواً با چنین مسائلی رو به رو می شوند از شدت آسیب کمتری برخوردارند. قابل ذکر است که متغیرهای میانجی گوناگونی نیز می تواند در افزایش یا کاهش اسن آسیب ها و پیامدها دخالت داشته باشند از جمله تقوا و ایمان شخصی . امروزه بر اساس تحقیقات و شواهد تجربی و میدانی ، ارتباط نامشروع میان زنان و مردان متاهل نیز به چشم می خورد که از مهمترین علل آن می توان به همین عدم رعایت شئون اسلامی در پوشش و حفظ فاصله در ارتباطات میان مردان و زنان اشاره کرد. طلاق زوجین که یکی از ثمرات این گونه مشکلات است ، خود آسیبی جدی است که پیامدهای فرهنگی و اخلاقی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی

فراوانی را برای جامعه در پی دارد. از آنجایی که خانواده از مهمترین ارکان جامعه می باشد، فروپاشی آن تأثیرات مخرب فراوانی را بر پیکره کل جامعه و هر یک از زوجین و فرزندان دارد .

۲- بلوغ زودرس : پوشش نامناسب زنان چه در درون خانواده و چه در جامعه اثرات مخربی را بر کودکان و نوجوانان به جای می گذارد که یکی از این آثار بلوغ زودرس جنسی کودکان و نوجوانان است. هنگامی که نوجوانان به بلوغ زودرس دچار شوند مشکلات شان دوچندان خواهد شد، چرا که امروزه در حالت طبیعی میان بلوغ جنسی و بلوغ اجتماعی که زمان ازدواجشان فرا می رسد و توانایی تشکیل خانواده پیدا می کنند، فاصله زمانی نسبتاً زیادی وجود دارد. حال چه برسد به بلوغ زودرس که مشکلشان را تشدید خواهد کرد. از یک طرف نیاز جنسی پیدا کرده اند و از طرف دیگر وسیله مشروع ارضای این نیاز در اختیارشان نیست نتیجه این که عده ای دچار انحرافات جنسی شده و در پی آن مشکلات دیگری در ابعاد گوناگون خانوادگی، روحی و عاطفی، تحصیلی پیدا می کنند .

۳- نگاه ابزاری به زن و از بین رفتن هویت و شخصیت والای زن : توجه افراطی به مد و مدگرایی، پوشش نامناسب و آرایش، دیگر ابعاد وجود زن را به حاشیه می راند و او را صرفاً به ابزاری برای لذت جویی مردان مبدل می سازد گویی که تنها کارکرد زن همین است و بس. اما زن از شخصیت والای مادری و همسری برخوردار است که مایه استواری و مدیریت خانواده، تربیت فرزندان می باشد که می تواند سلامت و پیشرفت جامعه را به ارمغان بیاورد و در ساحت های گوناگونی علمی و اجرایی که ویژه زنان است نقش متعالی را ایفا نماید.

راهکارهای حل مسئله بدحجابی و ترویج التزام به پوشش مناسب :

۱- تربیت و درونی کردن آموزه ها و ارزش های دینی : در فرایند جامعه پذیری افراد توسط خانواده، مدرسه، رسانه های جمعی که بهترین تضمین برای اجرای موازین شرعی درونی کردن ارزش ها و هنجاری الهی و اسلامی است که در این صورت نیازی به هیچ کنترل و نظارت اجتماعی نیست و فرد با تمام میل خود بدان اهتمام خواهد داشت.

۲- نظارت اجتماعی مناسب توسط سازمان های دولتی و عموم مردم به گونه ای که بازدارندگی قوی را در پی داشته باشد.

۳- تولید محصولات متنوع متناسب با شرایط گوناگون بر اساس فرهنگ ایرانی اسلامی و حمایت از طراحان و تولیدکنندگان داخلی و جلوگیری از پوشاک قاچاق

۴- تولید آثار هنری و سینمایی در قالب های متنوع که مبلّغ فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی در مسئله پوشش و حجاب باشند.

۵- معرفی چهره های موفق در عرصه های مختلف علمی، ورزشی، کاری که از حجاب و پوشش اسلامی برخوردارند.

۶- توجه به معماری ایرانی اسلامی در طراحی منازل و ساختمان ها

۷- افزایش احساس مسئولیت آحاد جامعه نسبت به مسئله پوشش و حجاب و آموزش های لازم در این راستا

۸- معرفی دقیق الگوها و هنجارهای مطلوب و جلوگیری از سردرگمی و نابهنجاری در ارایه الگو

۹- اتخاذ سیاست ها و استراتژی های مناسب مرحله ای و گام به گام برای تبلیغ حجاب

نتیجه گیری و بحث :

پوشش یک مسئله اجتماعی و فرهنگی و پوشاک یک کالای فرهنگی است. پوشش یک مسئله فرهنگی است به این دلیل که از ارزش ها و هنجارهای اجتماعی نشأت می گیرد و هنجارهای اجتماعی در نوع پوشش تاثیر عمیقی دارد. متقابلاً نوع پوشش نیز تأثیراتی بر پیکره اجتماع دارد. پوشش هر انسانی دارای معنی است و لذا قابل تفسیر است و با تفسیر آن می توان به ارزش ها و هنجارها و به طور خلاصه فرهنگ و شخصیت فرد را شناخت. پوشش نه تنها نیازهای فردی و زیستی بلکه نیازهای معنوی و فرهنگی را که برخاسته از اجتماع و ارتباطات میان افراد است را برآورده می کند. انسان ها با پوشش خود سعی بر این دارند تا شخصیت مقبول، موجه و مطلوبی را از خود به دیگران انعکاس دهند. رواج مدگرایی و تبعیت افراد از مد بارزترین دلیل و موید برای فرهنگی و اجتماعی بودن پوشش است که افراد همواره بر اساس مدهای رایج در جامعه جهت همنوایی و کسب رضایت جامعه به تبعیت از مد می پردازند. حجاب صرفاً یک مسأله شرعی و شخصی نیست، این مسأله تبدیل به نافرمانی مدنی و وسیله ای برای تقابل با نظام حکومت شده است. بنابراین لازم و ضروری است با تدبیر و ساماندهی وضعیت حجاب، موجبات آرامش روانی مردم فراهم شود. وضعیت مطلوب حجاب هنگامی محقق می شود که تمامی مردم و یا حداقل قاطبه مردم سبک پوشش خود را متناسب با موازین فرهنگ اسلامی برگزینند. در مباحث فرهنگی و اجتماعی برخی از رفتارها هرچند به طور دقیق بر اساس ارزش ها و هنجارهای اجتماعی شکل نگرفته اند ولی تخطی آنها به اندازه ای است که برای مردم جامعه قابل تحمل است. اساساً فرض این که تمامی افراد جامعه به نحو صد در صدی از الگوی اسلامی تبعیت کنند به لحاظ واقعیت اجتماعی امکان ناپذیر است، لذا در الگوی مطلوب حداقل بایستی تخطی افراد به گونه ای باشد که قابل تحمل و اغماض باشد نه به اشکالی که امروزه جامعه با آن مواجه هست؛ از کشف حجاب گرفته تا پوشش های نامناسب. مراجع تقلید حد پوشش برای بانوان را در مقابل نامحرم تمامی بدن به جز گردی صورت و کف دو دست می دانند. فتوای شرعی صرفاً ناظر به اصل وجوب حجاب و حدود حجاب شرعی است اما این که چه نوع پوششی را بایستی برگزید این بسته به شرایط مختلف فرهنگی، اجتماعی، جغرافیایی و آب و هوایی دارد که می تواند متغیر باشد اما متناسب با موازین شرعی. با عنایت به اینکه حجاب یک رفتار اجتماعی محسوب می شود و رابطه مستقیم با فرهنگ دارد و از طرفی توجه به این امر که فرهنگ امر ذاتی انسان نیست و انسان آن را اکتساب می کند، بنابراین ضرورت دارد که ارزش های اجتماعی توسط خانواده به نسل جدید منتقل شود. محیط خانواده، نحوه تعامل پدر و مادر و فرزندان با یکدیگر، انتخاب محصولات فرهنگی که خانواده از آن استفاده می کند؛ مانند فیلم، مجله، پوستر و غیره، طبقه اجتماعی که در آن قرار دارند، علاقه آنها به امور مذهبی و شرکت در مراسم مذهبی، هماهنگ سازی کودکان با والدین به عنوان الگوی رفتاری، تصویری که والدین از فرزندانشان در ذهن دارند که بیانگر ایده آل ذهنی آنان است، همگی در انتقال ارزش های فرهنگی و هنجارهای اجتماعی به نوجوانان و جوانان مؤثر است. برای اینکه والدین در انتقال ارزش های فرهنگی و هنجارهای اجتماعی موفق شوند باید انسان کامل جامعه را که ریشه در منابع غنی فرهنگی چون مذهب و ادبیات دارد به جوانان بشناسانند و خود نیز به ارزش های اخلاقی فرهنگی پایبند باشند. مسئله دیگر اینکه خانواده امروزی بر خلاف خانواده های گذشته یک خانواده بسته

نیست؛ بلکه کاملاً باز است یعنی با محیط پیرامون خود در ارتباط است و رسانه های صوتی و تصویری، اینترنت و غیره خانواده را با پیام های ارزشی و ضد ارزشی متناقض درگیر می کند بنابراین لازم است تفکر انتقادی در کانون خانواده نهادینه شود و معیارها و نُرَم های لازم را برای بررسی پیام ها و رفتارهای ارزشمند و غیر ارزشمند به فرزندان آموزش داده شود یعنی به نوعی فرزندان بتوانند به ارزش سنجی فرهنگی بپردازند تا هر اثر فرهنگی کم ارزش را به نام فرهنگ برتر به خورد آنان ندهند (شریف طاهرپور، ۱۳۸۹: ۳۳) . بر این اساس خانواده باید بتواند حجاب را برای فرزندان شان متناسب با رشد آنها بگونه عقلانی تبیین کند .

تعارض منافع :

« بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.» .

منابع :

- ۱- ابراهیمی ثانی، ابراهیم؛ محمدی هاجر؛ سجادی علی اصغر،(۱۳۹۱): استراتژی خانواده در عفاف، حجاب و امنیت فردی و اجتماعی، نشریه اصلاح و تربیت، سال یازدهم، شماره ۱۲۱، صص ۳۲-۲۷
- ۲- احمدی، خدابخش؛ بیگدلی، زهرا؛ مرادی، آزاده؛ سیداسماعیلی، فتح الله(۱۳۸۹): رابطه اعتقاد به حجاب و آسیب پذیری فردی، خانوادگی و اجتماعی، نشریه علوم رفتاری، دوره چهارم، شماره ۲، صص ۱۰۲-۹۷
- ۳- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسن بن محمد بن فضل (بی تا): مفردات الفاظ قرآن، ج ۲، مترجم خسروی حسینی، دکتر سیدغلامرضا، تهران: انتشارات مرتضوی
- ۴- رجبی، عباس(۱۳۸۳)، حیا و خودآرایی؛ نقش آنها در سلامت روانی زن، فصلنامه معرفت، شماره ۸۷، صص ۴۸-۵۶
- ۵- ساکی، محمد،(۱۳۹۶): «بررسی حجاب در ادیان الهی» نشریه سخن جامعه، سال نهم، شماره ۱۴، پاییز، صص ۶۳-۷۶
- ۶- سبحانی نیا، محمد(۱۳۹۴): شیوه های گسترش عفاف در جامعه، فصلنامه علمی تخصصی ره توشه، شماره ۱۹ (ویژه محرم ۱۴۳۷)، صص ۱۳۹-۱۲۳
- ۷- شارع پور، محمود؛ تقوی، سیده زینب؛ محمدی، مهدی(۱۳۹۱): تحلیل جامعه شناختی عوامل مؤثر گرایش به حجاب (مطالعه موردی: گرایش به حجاب در بین دانشجویان دختر دانشگاه مازندران) ، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره پنجم شماره ۳، صص ۲۹-۱
- ۸- شریف طاهرپور، محمد(۱۳۸۹)، راهکارهای تقویت حجاب و عفاف در جامعه، فصلنامه مهندسی فرهنگی، شماره ۴۵ و ۴۶، صص ۳۷-۱۸
- ۹- فتاح زاده، فتحیه،(۱۳۸۹): «حجاب در قرآن و عهدین»، فصلنامه مطالعات تفسیری، سال اول، شماره ۲، تابستان، صص ۱۵۶-۱۳۵
- ۱۰- قرآن کریم
- ۱۱- گرجی پور، حسین؛ خاشعی، وحید؛ اسلامبولچی، علیرضا؛ علی اصغری، صارم (۱۳۹۸) طراحی چارچوب مسئله شناسی فرهنگی در دانشگاه ها از دیدگاه امام خامنه ای، فصلنامه فرهنگ در دانشگاه، دوره ۳۳، سال نهم، شماره چهارم، صص ۵۴۳-۵۶۴

- ۱۲- لاریجانی، مهدیه؛ لاریجانی، مهسا (۱۳۹۱) بررسی علل رویگردانی از حجاب از منظر جامعه شناسی، دوفصلنامه علمی - ترویجی بانوان شیعه، سال نهم، شماره ۲۹، صص ۲۶۰-۲۲۷
- ۱۳- محمدی آشنائی (۱۳۷۸) حجاب در ادیان الهی، قم: انتشارات یاقوت
- ۱۴- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴) مسئله حجاب، تهران: انتشارات صدرا
- ۱۵- مطهری، مرتضی (۱۳۹۸) خانواده و اخلاق جنسی، قم: بنیاد علمی و فرهنگی شهید مطهر
- ۱۶- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷) مسئله حجاب، ج ۸۰، قم: بنیاد علمی و فرهنگی شهید مطهر
- ۱۷- مؤمنی، حسن؛ کلانتری، عبدالحسین (۱۳۹۵) بدحجابی؛ واکنش سوزه به تأیید اجتماعی، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره یازدهم، شماره ۱، صص ۲۱۵-۱۸۹

Social pathology of bad hijab and no hejab among girls and women and presenting some solutions

Manouchehr Samadivand

one of the behavioral manifestations of a Muslim man or woman, which is a sign of religiosity and a factor in protecting the family and society from corruption and social-psychological damage, is chastity and hejab. Having the right cover is not only the reason for the safety of the individual from various injuries, but also the reason for the strengthening of the family, the mental peace of the members of the society and increasing the security in the society. The purpose of this article is the social pathology of bad hejab and non-hijab among girls and women and to provide some solutions. The research method was descriptive-analytical documents. According to the findings, some of the harms of hijab were disruption in family relationships, early puberty, looking at women as a tool, and the loss of a woman's identity and high personality. From a sociological point of view, the following factors are involved in girls and women wearing hijab: Weakness in the process of socialization and social control, the process of globalization and cultural influence, reference group, lack of design of appropriate clothing pattern, lack of support for domestic and Islamic production, dilution of mixing. Men and women and the lack of correct understanding of the category of hijab. Some solutions for solving the problem of veiling and promoting commitment to appropriate clothing are: education and internalization of religious teachings and values, appropriate social supervision, production of products based on Islamic Iranian culture, and production of artistic and cinematic works of Iranian Islamic culture.

Conflict of interest:

According to the authors, the article did not have any conflict of interest

Key words: non-hejab, bad hejab, social pathology, solutions